

بررسی ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری

دکتر ماه منیر حقیقی^۱، دکتر رحیم خلیل زاده^{۲*}

تاریخ دریافت ۱۳۹۰/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۰۸/۱۹

چکیده

پیش زمینه و هدف: یکی از عوامل موثر بر سلامت روانی رفتاری کودکان، سبک فرزند پروری والدین می‌باشد. چندین عامل بر سبک‌های فرزند پروری تأثیر می‌گذارد مانند فرهنگ، عوامل اجتماعی اقتصادی، رضایت زناشویی. در این مطالعه ما به بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و سبک فرزند پروری پرداخته‌ایم.

مواد و روش کار: در این مطالعه همبستگی، ۹۰ نفر از مادران در مهد کودک‌های شهر تهران، پرسشنامه‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی را تکمیل نمودند و اطلاعات با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد بین رضایت زناشویی و سبک فرزند پروری مستبدانه رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد ولی بین سبک اقتدار منطقی و رضایت زناشویی رابطه معنی‌دار یافت نشد (p < 0.09).

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه با فرضیه‌های بازتابی و جبرانی همسو می‌باشد. از یک سو ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک فرزند پروری وجود دارد (فرضیه بازتابی) و از سوی دیگر رضایت زناشویی پایین به صورت جبرانی منجر به سبک فرزند پروری مثبت می‌شود.

کلید واژه‌ها: رضایت زناشویی، روابط زناشویی، سبک‌های فرزند پروری

دو ماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره دهم، شماره اول، پی در پی ۳۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۲۶-۲۱

آدرس مکاتبه: ارومیه، بیمارستان روان‌پزشکی رازی، تلفن: ۰۹۱۴۱۴۱۱۴۲۸

Email: r.kh_1341@yahoo.com

مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل گیری ابعاد شخصیتی، الگوهای رفتاری و سلامت روان فرزندان، فضای خانواده و نوع ارتباط والدین با فرزندان می‌باشد.

(۱) مستبدانه (صمیمیت اندک همراه با کنترل و انضباط

هر خانواده از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود

استفاده می‌کند. مجموعه نگرش‌ها، اعمال و اظهارات غیرکلامی

(۲) اقتدار - منطقی (صمیمیت و محبت در عین اعمال

و کلامی والدین که ماهیت تعاملات والد - کودک را در

کنترل)

موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند تحت عنوان "سبک

(۳) سهل گیرانه (رابطه گرم و صمیمی بدون کنترل و

فرزنده پروری" شناخته می‌شود (۱).

نظرارت بر رفتار کودکان) (۲)

اکثر محققانی که فرزند پروری را توصیف کرده‌اند به مفهوم

^۱ روانپزشک، استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

^۲ روانپزشک، استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارومیه (نویسنده مسئول)

- ۱- خصوصیات کودکان: خصوصیات شخصیتی، خلق و خوی کودک و توانایی‌های شناختی او
- ۲- خصوصیات والدین: خصوصیات شخصیتی، انتظارات آنان، اعتقادات و شناخت آن‌ها در مورد انگیزه‌ها و توانایی‌ها و طبیعت کودکان، فرهنگ و تجربیات اجتماعی
- ۳- زمینه اجتماعی که روابط والدین و فرزندان در آن جای می‌گیرد. (رابطه زناشویی، شبکه‌های اجتماعی، تجارب شغلی والدین) (۱۰، ۱۱)
- مطالعات متعددی به بررسی تأثیر روابط زناشویی بر رشد و تحول (۱۳) و جنبه‌های مختلف مسائل روانی رفتاری کودکان و نوجوانان مانند مشکلات رفتاری زودرس (۱۳)، رفتارهای پرخاشگرانه (۱۴)، روابط با همسالان (۱۵)، انطباق عاطفی اجتماعی و موفقیت تحصیلی (۱۶) پرداخته‌اند.
- لیکن در مورد ارتباط بین روابط زناشویی و شبک فرزند پروری (یا روابط والد - فرزند) مطالعات کمتری انجام شده و در مطالعات انجام شده نیز نتایج متفاوتی بدست آمده است.
- از لحاظ تئوری حداقل دو فرضیه در مورد ارتباط بین روابط زناشویی و شبک فرزند پروری وجود دارد: فرضیه بازتابی^۱ و فرضیه جبرانی^۲ (۱۷) طبق فرضیه بازتابی کیفیت مثبت یا منفی روابط زناشویی در شبک فرزند پروری معنکس می‌شود (۱۸، ۱۹).
- به عبارت دیگر اختلاف زناشویی می‌تواند منجر به اعمال کنترل و رفتار خشن نسبت به فرزندان شود و در مقابل انتظار می‌رود روابط زناشویی توأم با محبت و تفاهم با صمیمیت و آزادی بیشتری در شبک فرزند پروری همراه باشند. (۱۷)
- چند مطالعه با این فرضیه همسو است: در یک مطالعه ارتباط قوی بین اختلاف در روابط بین والدین و شبک فرزند پروری ضعیف (۱۹) و در مطالعه دیگری ارتباط منفی قوی بین اختلاف

مطالعات و پژوهش‌های متعدد حاکی از نقش تعیین کننده و تأثیرات زودرس و دیررس شبکهای فرزند پروری بر ابعاد مختلف سلامت روانی - رفتاری فرزندان در تمام طول زندگی‌شان می‌باشد: در اختلال سلوک که یکی از اختلالات مهم روان‌پزشکی در کودکان با شیوع حدود ۱۰-۱۴ درصد کل جمعیت می‌باشد شبک تربیتی تنبیه‌ی و خشن با بروز رفتار پرخاشگرانه و غیر انطباقی در کودک ارتباط دارد (۳) و در یک مطالعه مشخص شده شدت عالیم اختلال سلوک با شبک فرزند پروری اقتدار منطقی رابطه معنی‌دار و منفی و با شبک فرزند پروری استبدادی رابطه معنی‌دار و مثبت دارد (۴).

در مطالعه دیگری ارتباط معنی‌دار بین شبکهای فرزند پروری محدود کننده (مانند شبک مستبدانه) و شیوع اختلالات روانی مشاهده شده است (۵).

در یک مطالعه مشخص شد مادران کودکان سالم بیش از مادران کودکان دارای اختلال افسردگی به داشتن الگوی تربیتی اقتدار منطقی گرایش دارند و مادران کودکان دارای اختلال افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری عملی بیش از مادران کودکان سالم از شیوه‌های فرزند پروری مستبدانه استفاده می‌کنند (۶). در مطالعه گرینینگ و همکاران بین شبک فرزند پروری و رفتارهای خودکشی کودکان ارتباط مشاهده شده است (۷).

شبک فرزند پروری بر سوء مصرف الکل و سیگار، موفقیت تحصیلی و انطباق اجتماعی روانی نیز تأثیر قابل توجهی دارد (۸، ۹).

از مجموع مطالعات چنین به نظر می‌رسد که شبک اقتدار منطقی مناسب‌ترین روش فرزند پروری است و به شکل‌گیری رفتارها و خصوصیات سالم‌تر در فرزندان منجر می‌شود (۲).

شبکهای فرزند پروری تحت تأثیر عوامل متعددی است که این عوامل در سه مقوله عمدۀ می‌گنجد:

¹ Spillover Hypotheses

² Compensatory Hypotheses

پرسش نامه رضایت زناشویی که در این مطالعه استفاده شده شامل ۴۷ سوال است که جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی را می‌سنجد و آزمودنی به هر سوال بر اساس یک مقیاس پنج درجه‌ای پاسخ می‌دهد.

داشتن نمرات بالاتر در این پرسش نامه نشانگر رضایت زناشویی بالاتر می‌باشد. روایی و اعتبار این پرسش نامه توسط علی اکبر سلیمانیان بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است. این پرسش نامه در ایران استاندارد شده و میانگین نمرات بدست آمده ۵۰ و انحراف معیار آن ۱۰ می‌باشد.

پرسش نامه فرزند پروری بر اساس نظریه بامریند در مورد سبک‌های فرزند پروری تهیه شده است و شامل ۳۰ ماده می‌باشد.

۱۰ ماده آن به شیوه اقتدار منطقی، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده نیز به شیوه آزادگذار مربوط می‌باشد. ماده‌های این پرسش نامه به شیوه لیکرت نمره گذاری می‌شود. پایایی باز آزمایی این پرسش نامه توسط اسفندیاری برای سبک اقتدار منطقی ۷۳ درصد، سبک استبدادی ۷۷ درصد و سبک آزادگذار ۶۹ درصد گزارش شده است.

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی میزان رضایت زناشویی

مادران مورد مطالعه		
درصد فراوانی	فراوانی	میزان رضایت زناشویی
۰	۰	رضایت زناشویی بسیار زیاد
۲۲/۳۳	۲۱	رضایت زناشویی زیاد
۶۱/۱۱	۵۵	رضایت زناشویی نسبی و متوسط
۷/۷۷	۷	عدم رضایت زناشویی
۷/۷۷	۷	نارضایتی شدید

در روابط بین والدین و سبک فرزند پروری مثبت نشان داده شد (۲۰).

در مقابل، بر اساس فرضیه جبرانی، اختلاف زناشویی منجر به سبک فرزند پروری بهتر به صورت جبرانی می‌شود (۱۸). به عبارت دیگر والدین سعی می‌کنند با ایجاد روابط عاطفی قوی با فرزندانشان از اختلافات بین خود اجتناب نمایند (۱۷). چند مطالعه با این فرضیه هم‌خوانی دارد: به عنوان نمونه در یک مطالعه نشان داده شد مادرانی که با همسران خود اختلاف دارند جهت رفع نیازهای عاطفی خود با فرزندانشان بیش از حد حمایت گرا نه رفتار می‌کنند (۱۸).

در مجموع با توجه به اهمیت سبک‌های فرزند پروری به ویژه در سال‌های اولیه زندگی و تأثیر آن در سلامت روانی و رفتاری افراد، بررسی عوامل مرتبط با آن ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه حاضر به یکی از این عوامل یعنی رضایت زناشویی پرداخته و رابطه آن را با سبک فرزند پروری در مادران کودکان پیش دبستانی در سه مهد کودک شهر تهران بررسی می‌کند.

مواد و روش‌ها

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی متغیرهای مطالعه در جداول شماره ۱ و ۲ آورده شده است.

این مطالعه همبستگی در سال ۱۳۸۹ انجام شده است. جهت انتخاب نمونه، ابتدا از مناطق مختلف شهر تهران به طور تصادفی سه منطقه جنوب غربی، جنوب شرقی و غرب انتخاب شدند. سپس با همکاری مسئول مهد کودک‌های شهر تهران از هر یک از این سه منطقه یک مهد کودک به طور تصادفی انتخاب شد.

۱۰۰ نفر از مادرانی که مایل به همکاری بودند پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ و پرسش نامه فرزند پروری بامریند را تکمیل نمودند، (۲۸ نفر از مهد شماره یک، ۳۴ نفر از مهد شماره دو و ۳۸ نفر از مهد شماره سه). ۱۰ نفر از مادرانی که پرسش نامه‌ها را به طور کامل پر نکرده بودند از مطالعه خارج شدند.

نسبی و متوسط، ۷/۷۷ درصد عدم رضایت و ۷/۷۷ درصد نارضایتی

همان‌گونه که در جدول شماره (۱) نشان داده ۲۳/۳۳ درصد

شید از زندگی زناشویی داشتند.

آزمودنی‌ها رضایت زناشویی بالا، ۱۱/۱۱ درصد رضایت زناشویی

جدول شماره (۲): میانگین و انحراف معیار نمرات رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری در مادران مورد مطالعه

شیوه آزادگذار				شیوه استبدادی				شیوه اقتدار منطقی				رضایت زناشویی			
sd	M	N	sd	M	N	sd	M	N	sd	M	N	sd	M	N	
۴/۹۶	۱۴/۶۶	۹۰	۵/۱۴۴	۱۱/۸۲	۹۰	۴/۶۸	۳۱/۷۰	۹۰	۱۱/۰۰۳	۵۱/۰۱	۹۰				

بالاست و به نظر می‌رسد که شیوه غالب مورد استفاده توسط

با مشاهده جدول شماره (۲) مشخص می‌شود میانگین نمرات

مادران در این مطالعه شیوه اقتدار منطقی بوده است.

آزمودنی‌ها در سبک فرزند پروری اقتدار منطقی به طور برجسته‌ای

جدول شماره (۳): ضرایب همبستگی بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری

شیوه آزادگذار	شیوه استبدادی	شیوه اقتدار منطقی	متغیرها
رضایت زناشویی			
-۰/۰۲۹	-۰/۱۸۰ ×	۰/۰۴۰	

p < ۰/۰۹ ×

فرضیه بازتابی^۱ و فرضیه جبرانی^۲

در این مطالعه، بافته فوق با فرضیه spillover همسو است.

به منظور بررسی رابطه بین نمرات رضایت زناشویی و

طبق این فرضیه، کیفیت مثبت یا منفی روابط زناشویی در فرزند

شیوه‌های فرزند پروری از ضریب همبستگی پیروson استفاده شد.

پروری منعکس می‌شود (۱۹، ۱۸). چند مطالعه با این فرضیه موافق

که نتایج آن در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. همان‌گونه

است: اول و بورمن، در یک ماتالیز ارتباط قوی بین اختلاف در

که در جدول مشخص شده در سطح ۰/۰۵ < p رابطه معنی‌دار

روابط والدین و سبک فرزند پروری ضعیف را نشان دادند (۱۹).

بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری مشاهده نمی‌شود

در ماتالیز دیگری کریشنا کومار و بوهلر ارتباط منفی قوی

ولی در سطح ۰/۰۹ < p رابطه معکوس معنی‌دار بین رضایت

بین اختلاف در روابط بین والدین و سبک فرزند پروری مشهود است.

زنادی و شیوه استبدادی مشهود است.

گزارش کردند (۲۰).

در یک مطالعه نیز رابطه بین اختلاف زناشویی و رفتارهای

بحث و نتیجه گیری

تریبیتی منفی از طرف پدر مشاهده شد (۲۱).

نتایج این پژوهش نشان داد بین رضایت زناشویی و شیوه

در مطالعه حاضر بین رضایت زناشویی و شیوه اقتدار منطقی

استبدادی در فرزند پروری، در سطح ۰/۰۹ < p رابطه معکوس

ارتباط معنی‌دار مشاهده نشد. در تبیین این یافته می‌توان به

معنی‌دار وجود دارد ولی در سطح ۰/۰۵ < p رابطه معنی‌دار نبود.

فرضیه جبرانی استناد نمود، که بر اساس آن، علاوه بر رضایت

همان‌گونه که اشاره شد در مورد ارتباط سبک فرزند پروری و

زنادی (کسب نمرات بالا در پرسشنامه) اختلاف زناشویی (کسب

روابط زناشویی دو فرضیه مطرح شده است:

¹ Spillover Hypotheses

² Compensatory Hypotheses

بالاتر خلاقیت و استقلال فرزندانشان برایشان اهمیت بیشتری دارد لذا در رفتار با فرزندان خود پذیرافتن، رفتار گرمتری دارند و برای مقرراتی که وضع می‌کنند بیشتر استدلال می‌آورند (۱۰).
به نظر می‌رسد از بین عوامل موثر بر سبک فرزند پروری بعضی عوامل قدرت اثر بیشتری داشته و می‌تواند تأثیر سایر عوامل را تحت الشاعع قرار دهد که پژوهش گزارش شده‌ای در این مورد یافت نشد و پیشنهاد می‌شود مطالعات دیگری در رابطه با نقش سایر عوامل تأثیرگذار بر سبک‌های فرزند پروری انجام شود.
از محدودیت‌های این مطالعه کم بودن حجم نمونه و استفاده از ابزار خود گزارش ده جهت بررسی متغیرهای مطالعه بود که پیشنهاد می‌شود جهت افزایش قدرت تعمیم پذیری، مطالعاتی با حجم نمونه بزرگ‌تر و با مشاهده رفتارهای تربیتی والدین در تعامل با فرزندان خود جهت تعیین سبک فرزند پروری انجام شود چون گاهی بین آنچه والدین در رفتار با فرزند خود بدان اعتقاد داشته و اظهار می‌دارند با شیوه‌ای که در عمل بکار می‌برند تفاوت آشکاری وجود دارند.

با توجه به اینکه این مطالعه محدود به سه منطقه شهر تهران می‌باشد توصیه می‌شود در مناطق دیگر تهران و همچنین شهرهای دیگر نیز انجام شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به تفاوت‌هایی که بین مادران و پدران در مورد تأثیر رضایتشان از روابط زناشویی بر سبک فرزند پروری گزارش شده (۲۱، ۲۲) مطالعه مشابهی نیز بر روی پدران انجام شود.

نمرات پایین در پرسش‌نامه) نیز منجر به فرزند پروری مشبت به صورت جبرانی می‌شود (۱۸، ۱۹).

چند مطالعه نیز با این فرضیه هم‌خوانی دارد: انگرف نشان داد مادرانی که با همسران خود اختلاف دارند به فرزندانشان به عنوان یک منبع دلیستگی و محبت توجه نموده و جهت رفع نیازهای عاطفی خود با فرزندانشان بیش از حد حمایت گرانه رفتار می‌کنند (۱۸).

در مطالعه بودی و همکاران نیز مادرانی با روابط زناشویی ناسازگارانه در مقایسه با همسران خود یا مادرانی که روابط زناشویی دوستانه‌ای داشتند، ارتباط و مشارکت بیشتری با فرزندان خود داشتند (۲۲) شاید این دسته از مادران به این ترتیب می‌خواستند ازدواج ناموفق خود را جبران نموده و بیشتر به فرزند خود نزدیک شوند یا شاید می‌خواستند بهتر از همسران خود از فرزندان مراقبت کنند (۱۰).

نکته قابل توجه دیگر آن که سبک‌های فرزند پروری تحت تأثیر عوامل متعددی است که این عوامل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، از جمله عوامل تأثیرگذار فرهنگ و طبقه اجتماعی - اقتصادی می‌باشد که می‌تواند تأثیر عوامل دیگر مانند رضایت زناشویی را تحت الشاعع قرار دهد. به عنوان مثال اطاعت از مراجعه قدرت و احترام به آنان در میان اعضای طبقه کارگر، به طور سنتی ارزش بسیاری دارد. در نتیجه والدین این طبقه عموماً فرزندان خود را تحت کنترل دارند، اقتدارگرا و مستبدند و بندرت عقاید فرزندان خود را در نظر می‌گیرند. بر عکس والدین طبقه متوسط و

References:

- Slicker EK, Picklesimer BK, Guzak AK, Fuller DK. The Relationship of parenting style to older adolescent life-skills development in the United States. *Young* 2005; 13(3): 227-45.
- Berk LE. Development through the lifespan. 5th Ed. Boston, MA : Pearson/Allyn and Bacon; 2009.

- Sadock BJ, Sadock VA. Synopsis of psychiatry. 10th Ed Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2007. P.1221.
- Agh A, Kahhornia M.Mehrabadi S, Mokhtari N, Rostami K. The Relationship between parenting styles and severity of conduct disorder's symptom in children. *Contemp Psychol* 2011; 5: 13. (Persian)

5. Molavi P. Survey on parenting styles of mental disorder patients' coming to clinic of Fatemi Psychiatric Hospital in Ardebil. *Ardebil Univ Med Sci J* 1999;2: 56.
6. Farzigolfazani M. The comparison of mothers parenting styles of children by depressive, anxiety, obsessive compulsive disorder with mothers of normal children. *J Res Excep Children* 2003; 3: 4. (Persian)
7. Greening L, Stoppelbein L, Luebbe A. The Moderating effects of parenting styles on African - American and Caucasian children's suicidal behaviors. *J Youth Adolesc* 2010; 39(4): 357-69.
8. Laura H, Weiss J, Schwarz C. The Relationship between parenting types and older Adolescents' personality. Academic achievement, adjustment, and substance use. *Child Dev* 1996; 67(6): 2101-14.
9. Newman K, Harrison L, Dashiff C, Davies S. Relationships between parenting styles and Risk behaviors in adolescent health: an integrative literature review. *Rev Lat Am Enfermagem* 2008; 16(1): 142-50.
10. Mussen PH. Child development and personality. New York and Evanston: Harper & Row; 2003.
11. Belsky J. The determinants of parenting: a process model. *Child Dev* 1984; 55:83-96.
12. Goldberg Wendy A, Easterbrook M. Role of marital quality in toddler development. *Dev Psychol* 1984; 20(3): 504-14.
13. Webster C, Hammond M. Marital conflict management skills, parenting styles and early-onset conduct problems: processes and pathways. *J Child Psychol Psychiatr* 1999; 40(6): 917-27.
14. Hart CH, Nelson DA, Robinson CC, Olsen S, Choque M, Kay M. Overt and relational aggression in Russian nursery-school-age children: parenting styles and marital linkages. *Dev Psychol* 1998; 34(4): 687-97.
15. Gottman JM, Katz LF. Effects of marital discord on young children's peer interaction and health. *Dev Psychol* 1989; 25(3): 373-81.
16. Feldman SS, Wentzel KR, Weinberger DA, Munson JA. Marital satisfaction of parents of preadolescent boys and its relationship to family and child functioning. *J Fam Psychol* 1990; 4(2):213-4.
17. Jeong JY, Wendy CG. Pathways of influence: marital relationship and their association with parenting styles and sibling relationship quality. *J Child Fam Stud* 2008; 17:757-78.
18. Engfer A. The interrelatedness of marriage and the mother-child relationships. Oxford: Oxford University Press; 1988. P. 104-18.
19. Erel O, Burman B. Interrelatedness of marital relations and parent-child relations: a meta-analytic review. *Psychol Bullet* 1995; 108-32.
20. Krishnakumar A, Buehler C. Interparental conflict and parenting behavior: a meta-analytic review. *Fam Relat* 2000; 49: 25-44.
21. Kiristin M, Lindhal M. Observations of marital conflict and power: relation with parenting in the Triad. *J Marriage Fam* 1999; 51(2): 320-30.
22. Boody CH, Pellegrini AD, Sigel IE. Marital quality and mother-child and father-child interactions with school-aged children. *Dev Psychol* 1986; 22:269-91.